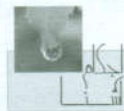


یا نشکسته؟

دغدغه‌های نماز و روزه در سفر



ارتباط با آن نشد و به اصطلاح فقهی از آن اعراض نکرد همچنان وطن او محسوب می‌شود.

* مسافت شرعی: مسافتی است که با طی کردن آن در خارج از وطن، فرد از نظر شرع، مسافر شناخته می‌شود. البته این مسافت که از آن به هشت فرسخ تعبیر می‌شود می‌تواند به صورت رفت و برگشت باشد در نتیجه فرد با طی کردن چهار فرسخ در رفت عملاً مسافر شناخته می‌شود. هر چند در بین فقها در تعیین دقیق چهار فرسخ با کیلومتر خودمان اختلافی وجود دارد اما معمولاً می‌شود بین ۲۱/۵ تا ۲۲/۵ کیلومتر. (لازم است بدانید چگونگی طی مسیر در رفت و برگشت و یکی یا متعدد بودن این مسیرها هم در محاسبه مسافت شرعی دخالت دارد که برای یادگیری آن می‌توانید به رساله مراجعه کنید).

* حد ترخص: به محدوده عرفی پایان یک شهر یا روستا و... گفته می‌شود که با رسیدن به آنجا عرفاً می‌گویند از آن منطقه خارج شده‌ایم، و معیار شرعی یافتن آن هم دیدن دیوارهای شهر و شنیدن اذان شهر است. یعنی اگر پس از ترک یک شهر به جایی رسیدید که دیوارهای شهر به وضوح دیده نشده و اذان آن هم شنیده نمی‌شود به حد ترخص رسیده‌اید؛ هر چند امروزه این دو راه کار زیاد به کار نمی‌آید زیرا شهرها مانده گذشته برج و بارو ندارند و به لطف رادیو و بلندگو دیگر خلاق بر پشت بام خانه‌ها یا مناره‌ها اذان نمی‌گویند اما با این وجود با توجه به معیارهای شهری موجود و تابلوهای آغاز و اتمام شهر و با جدا کردن خانه‌های حومه شهر از خانه‌های اصلی می‌توان به یک شناخت اطمینانی از حد ترخص رسید. با توجه به این توضیحات باید بگوییم: مسافر از نظر شرع کسی است که قصد خروج از وطن یا محل زندگی

این تخفیف‌ها کدامند؟

این تخفیف‌ها، هم جنبه کمی دارند و هم کیفی. یعنی نمازهای چهار رکعتی تبدیل به دو رکعتی می‌شوند و تکلیف روزه‌های واجب هم از عهده مسافر برداشته می‌شود یعنی اصلاً گرفتن این روزه‌ها جایز نیست حتی روزه ماه رمضان! (البته فقط درباره روزه‌ها باید بعداً آنها را قضا کرد و تکلیفش از عهده انسان ساقط نمی‌شود) اما از جهت کیفی، ۱۸ رکعت نافله نمازهای شکسته شده نیز از مسافر برداشته می‌شود یعنی نافله که به جهت بالا بردن ارزش و کیفیت نماز خوانده می‌شود برای مسافر تشریع نشده...

اما متأسفانه همین تخفیف و ارفاق الهی به علت ناآشنایی با احکام شرعی به مشکل بزرگ بسیاری از افراد تبدیل می‌شود؛ آقا تکلیف این نماز و روزه‌های ما چیست؟

مسافر کیست؟

برای شناختن مسافر از دیدگاه شرع اسلام به این چند کلمه کلیدی دقت کنید:

* وطن: در فقه اسلامی به محل تولد انسان و هم‌چنین محل زندگی او وطن گفته می‌شود یعنی اگر کودکی در شهر یا روستایی به دنیا بیاید و پس از تولد هم مدتی در آنجا باشد آن جا وطن اوست همین‌طور شهر یا منطقه‌ای که برای زندگی دائمی خود تا آخر عمر انتخاب می‌کند وطن اوست هر چند طرف جای دیگری چشم‌های مبارکش را به جهان گشوده باشد. پس هر فرد می‌تواند چند وطن داشته باشد مثل افرادی که در دو شهر خانه دارند و بخشی از سال را در هر کدام می‌گذرانند و البته وقتی محلی وطن انسان شد تا زمانی که از آن دست برداشت و مایل به ترک سکونت و

چگونگی استفاده از غذاهای آنها را خوب یاد بگیرید تا مجبور نشوید در طول سفر به جای غذا از سرم قندی استفاده کنید...

همیشه به گشت

یکی از مسائلی که معمولاً افراد از هر صنف و شغلی که باشند در طول زندگی به نوعی با آن مواجه می‌شوند مسأله مسافرت است؛ حتماً می‌دانید که از نظر اسلام وضعیت برخی عبادات و تکالیف شرعی مسافر غیر از دیگران است. در نتیجه دانستن احکام ویژه مسافر از همان دسته احکامی است که واجب است انسان قبل از قبولی دانشگاه و یا اعزام به سربازی و مانند آن اجمالاً با آنها آشنایی پیدا کند.

مهم‌ترین بخش احکام مسافر مربوط به تخفیف‌هایی است که در بخشی از عبادات مسافر در نظر گرفته شده است. در این باره آوردن این نکته هم بد نیست که بگوییم غیر از خداوند و امامان معصوم کسی به راز علت‌ها و حکمت‌های احکام آشنا نیست و آنچه هم از سوی دیگران گفته می‌شود بیش‌تر از باب حدس و گمان است. با این وصف نمی‌توانیم درباره علت این تخفیف‌ها در سفر قضاوت کنیم اما شاید بر اساس همان حدس و گمان بتوان گفت: چون غالباً انسان در حال سفر از آرامش روحی و روانی کامل و میل باطنی مناسب برای عبادات مقصّل برخوردار نیست و این حالت ربطی به وسیله نقلیه و یا امکانات سفر و مدت زمان رسیدن به مقصد و مانند آن ندارد بلکه احساس طی کردن یک مسافت قابل توجه و دور شدن از خانه و وطن ممکن است موجب به‌وجود آمدن نوعی عدم آرامش می‌شود بعید نیست این یکی از حکمت‌های شارع اسلامی در تخفیف دادن برخی عبادات برای مسافر باشد.

اگر از آن دسته افرادی باشید که در بین کارهای روزانه فرصتی را هم برای مراجعه و مطالعه رساله توضیح المسائل قرار می‌دهند و به قول معروف دست به رساله باشید حتماً می‌دانید که یکی از اولین مسائلی که در همه رساله‌های مراجع بزرگوار به آن اشاره شده ضرورت یادگیری احکام شرعی مربوط به شخص یا همان احکام «مبتلا به» است (ابتلی، یتلی، مبتلی مبتلی، اسم مفعول باب افتعال تابستان تمام شده درس‌ها را که فراموش نکردید؟!)

«مبتلی به» یعنی چیزهایی که انسان به آنها دچار می‌شود یا همان احکامی که در امتحان خداوند در مجموعه سوالات مخصوص هر کسی قرار می‌گیرد و طبق نظر مراجع، یادگیری آنها واجب است: «مسأله ۱۱: مسائلی را که انسان غالباً به آنها احتیاج دارد واجب است یاد بگیرد.» (توضیح المسائل امام خمینی (ره) هر انسانی بر اساس جنسیت، شغل شرایط محیط زندگی یا محل کار و مانند آن واجب است احکام مخصوصی را یاد بگیرد. فرض کنید شما پس از اتمام تحصیل تصمیم گرفتید شغل آباء و اجدادی خود یعنی قصابی را ادامه دهید و بشوید قصاب محل. در این صورت در کنار پروانه کار و مجوز اداره بهداشت و... لازم است احکام مخصوص ذبح و خرید و فروش گوشت حیوانات و مانند آن را دقیقاً یاد بگیرید و مثلاً بدانید ۱۵ قسمت از حیوانات حلال گوشت حرام است و نباید آن را قاطی گوشت به خورد خلق الله داد و یا اگر شما شدید مسئول خرید یک شرکت بزرگ و عازم کشور بزرگ چین بودید باید قبل از OK گرفتن از سفارت و هواپیمایی و صد البته عیال مربوطه، ابتدا احکام روابط با کفار و طهارت و نجاست آنها و



خود به بیش از مسافت شرعی را دارد و از حد ترخص هم خارج شده مثلاً اگر اهل قم باشید و به قصد پابوسی علی بن موسی الرضا حرکت کنید همین که به حومه شهر قم رسیدید حکم مسافر را دارید و باید نمازتان را شکسته یا به اصطلاح «قصر» بخوانید.

آغاز مشکلات

تا این جای کار تا حد زیادی روشن است اما مشکل از زمانی شروع می شود که انسان به هر دلیل تصمیم می گیرد یا مجبور است مدتی را در شهری غیر از وطن اصلی بگذراند و قصد زندگی همیشگی در آنجا را هم ندارد. کارمندان، فرهنگیان به خصوص نظامیان که بر اساس مأموریت، چند سالی را در مناطق محروم و یا غیر آن مشغول به خدمت می شوند و طلاب یا روحانیانی که غالباً برای گذراندن دوره های عالی دروس حوزوی به شهر قم یا مشهد مقدس هجرت می کنند. واضح است که زندگی این عده در شهر محل مأموریت یا تحصیل موقتی است. پس آنجا وطن آنها نخواهد بود اما طبق نظر برخی از فقها اگر مدت اقامت آنها چندسال به طول بیانجامد به طوری که عرفاً گفته شود در آنجا سکونت دارند و زندگی می کنند باید نمازهایشان را کامل بخوانند و آن شهر را نوعی شیوه وطن به حساب بیاورند زیرا از نظر فقها تنها نماز انسان مسافر شکسته است و غیر مسافر چه در وطن خود باشد و چه جایی شبیه آن، نمازش کامل خواهد بود و این عده یقیناً از نظر عرف مسافر شناخته نمی شوند.

سال های دور از خانه

اما تکلیف عذب اوغلی های بیچاره که از بد حادثه از کانون گرم خانواده و موقعیت استراتژیک مامان خانوم دور

افتاده اند و در حسرت غذاهای عالی و بی منت Made In Nane به املت خوابگاه یا آش سربازخانه قناعت کرده اند قدری دشوار و پیچیده تر است! این قبیل افراد معمولاً در شهر تحصیل یا محل خدمت کاملاً به صورت موقتی زندگی می کنند و معمولاً به این شکل زندگی موقت شبه وطن هم اطلاق نمی شود در نتیجه این ها کاملاً مسافر هستند و در حالت عادی نمازهایشان شکسته است. البته برخی از مراجع در همین صورت هم اگر این حضور در محل تحصیل چند سال و آن هم چند روز کامل در هفته باشد باز محل تحصیل را هم در حکم وطن دانسته اند اما با قصد دهه یعنی نیست ماندن ده روزه در شهر مقصد، نمازهایشان کامل است و روزه هایشان هم صحیح. همین طور است اگر قصد ده روز ماندن را نداشتند ولی اتفاقاً تا سی روز در محل مقصد ماندند در این صورت هم پس از سی روز باید نمازهایشان را کامل بخوانند... عجب اوضاعی شد. اگر گنج شدید یک دور دیگر این چند سطر را بخوانید.

عشایر مدرن

اما دسته آخر که بیشترین مصداق را در بین خوانندگان ما دارد افرادی هستند که بین منزل و محل تحصیل یا محل کار (که بیش از ۴ فرسخ است) در رفت و آمد هستند، حالا یا هر روز و یا هر چند روز یکبار معمولاً این عزیزان در طول سال با اجتهاد خودشان به شکلی نمازهایشان را می خوانند؛ گاهی کامل، گاهی شکسته ولی وقتی ماه رمضان می رسد به تکاپو می افتند که تکلیفشان چیست. از هر کسی هم که پرسد پاسخ هایشان را جستجو می کنند از هم اتافی گرفته تا مسئول حراست و حتی باغبان دانشگاه... و در این گیر و دار چه قدر

تلاش می کنند که به یک کارشناس فقه مراجعه کنند خدا می داند! باز هم تأکید می کنیم «کارشناس فقه!» حتی نه هر روحانی و استاد معارفی! به هر حال درخصوص این گروه ابتدا باید مشخص شود که طبق نظر مرجع هر فرد آیا تحصیل، شغل محسوب می شود یا خیر زیرا اگر تحصیل شغل به حساب بیاید این دانشجوی عزیز مانند دیگران کثیرالسفر به حساب می آید زیرا از نظر فقها کسی که سفر شغل او یا مقدمه شغل او باشد و در کمتر از ده روز بین وطن و محل کار در سفر باشد کثیرالسفر به حساب می آید که نمازش در محل کار و بین راه کامل است، اما اگر طبق نظر مرجع فرد، تحصیل شغل نباشد باید حساب این دانشجویان را از دیگری که بین وطن و محل کار در سفر هستند جدا کرد. در هر حال طبق نظر بیشتر علما اگر فردی به طور مداوم و نه موقتی این مسافرت های کمتر از ده روز را بین وطن و محل کار دارد نمازهایش کامل است مگر در سفر اول یعنی اولین باری که سفرهایش شروع می شود و همچنین اگر بیش از ده روز در وطن ماند برای شروع سفرهای کمتر از ده روز بعدی (بین وطن و محل کار) فقط در همان سفر اول حکم مسافر را دارد و در غیر آن باز نمازهایش کامل است.

یک شاه کلید

در انتها راهی به دوستان عزیزی که بر اساس نظر مرجعشان مجبور به شکسته خواندن نمازهایشان هستند نشان می دهیم که در ماه رمضان حسرت روزه بر دلشان نماند! همان طور که می دانید پس از تقلید از یک مرجع به راحتی نمی توان کلاً یا در برخی از مسائل به مرجع دیگر رجوع کرد و تنها در تحت شرایط خاصی این امر امکان پذیر است زیرا فرض بر این

است که مرجع دیگر از جهات مختلف یا مرجع تقلید ما مساوی یا از او پایین تر است اما راه هایی هم وجود دارد؛ یکی از آنها این است که مرجع ما در مسأله ای احتیاط واجب داشته باشد که در این صورت در همان مسأله می توان به مرجع دیگر رجوع کرد، اما اگر در مسأله مورد نظر ما فتوا داد، چاره چیست؟ در این صورت هم یکی از راه کارها این است که مرجع ما در اصل مسأله «رجوع به مرجع مساوی» حکم به احتیاط واجب داده باشد، در این صورت می توانیم به دستور مرجع دیگری که او هم این رجوع را جایز می داند، عمل کنیم. به عنوان مثال در همین مسأله نماز مسافر مقام معظم رهبری نماز همه دانشجویان مسافر را (به غیر از دانشجویان بورسیه یا مأمور به تحصیل) شکسته می دانند ولی چون در رجوع به مرجع مساوی احتیاط دارند، می توانیم به مرجع بزرگوار دیگر مانند آیت الله بهجت رجوع کنیم که هم این رجوع را جایز می دانند و هم نماز دانشجویان مسافر را کامل. در نتیجه با یک کار تخصصی خیال خودمان را راحت می کنیم و با آرامش کامل سر سفره افطار به نوای «ربنا» گوش خواهیم داد.

در انتها، ذکر این نکته مهم ضروری است که مسأله نماز و روزه مسافر از پر اختلاف ترین مسائل شرعی است که هر فردی باید به رساله یا دفاتر استفتائات و یا سایت اینترنتی مرجع خود مراجعه کرده از تکلیف خود مطلع شود و این نوشتار اصلاً در مقام جمع بین همه نظرات نبود این را گفتیم که قیامت سر پل صراط نایستد یقه ما را بچسبید چرا حکم اشتباه به شما گفتیم چون ما را نخواهید دید و ما همون اول رقیمت تو بهشت. «بگو ای شاه!»